

باسمه تعالی

گزارش پنل تخصصی طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور در هفته پژوهش سال 1399

این نشست تخصصی با عنوان «علوم انسانی، تأثیر اجتماعی و توسعه» در تاریخ یکشنبه 23 آذر ماه 1399 از ساعت 14 الی 17:30 به صورت مجازی با محوریت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تشکیل شد.

در ابتدای نشست، آقای دکتر یحیی فوزی، جانشین رئیس پژوهشگاه در طرح جامع اعتلای علوم انسانی، به عنوان دبیر نشست ضمن قدردانی از سخنرانان این جلسه درباره موضوع و تمرکز اصلی نشست توضیحاتی را بیان کردند و در ادامه با طرح این سوال که بالاخره علوم انسانی چه رسالت اجتماعی در جامعه اکنون می تواند ایفا کند؟ عمده مشکلات اصلی کشور، دغدغه ها، مناقشات و مباحثات در ایران را در حوزه علوم انسانی دانستند و با برشمردن اینکه به نظر می رسد ریشه مشکلات در بحث توسعه، دین، فرهنگ، سیاست، سبک زندگی و دیگر مسائل نیز عمدتاً در علوم انسانی است براین موضوع تأکید کردند که راهکار و راه حل این مشکلات را نیز باید در علوم انسانی یافت. این استاد علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی افزودند به همین علت طرحی با نام «طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور» در پژوهشگاه از سال های پیش طراحی و آغاز شد و تاکنون با شرکت و همکاری جمع کثیری از استادان علوم انسانی از سراسر کشور در حوزه ها و رشته های مختلف پیش رفته است و تعدادی از نتایج این طرح ها به صورت کتاب، مقاله و گزارش های راهبردی و توصیه های سیاستی، سخنرانی و ... در حال ارائه به جامعه علمی ایران است و در این راستا بازخوردهای خوب و گسترده ای نیز حاصل شده است.

در ادامه دبیر نشست موضوع این جلسه را ارائه گزارش اجمالی سه طرح ارزشمند از استادان مجری طرح ها در طرح جامع اعتلاء عنوان کردند و به معرفی طرح ها پرداختند. اولین طرح به جناب آقای دکتر عباس منوچهری، عضو محترم هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس، اختصاص داشت که با عنوان «استلزامات توسعه فراستمند در ایران» به بحث مهم توسعه در ایران پرداخته است. در توضیح مختصر درباره این طرح باید گفت: از آنجایی که بحث توسعه در کشور در دو سده گذشته اهمیت خاصی دارد نسبت اندیشه سیاسی و نظریه توسعه در این طرح مورد بررسی قرار گرفته و طرح مذکور به علت پرداختن به توسعه بومی مورد توجه و با اهمیت خاصی است.

بعد از توضیحات دبیر نشست، آقای دکتر عباس منوچهری، استاد رشته علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، و مجری طرح به تشریح هدف طرح و اجزای آن، یعنی نظریه پردازی در حوزه توسعه پرداختند و تاکید داشتند مسئله اولیه ای که در این پژوهش با آن مواجه بودیم عدم تحقق 70 درصدی برنامه های توسعه در ایران است که محققان پاسخ هایی به این مسئله داده اند اما به وجه و مبانی فکری و نظری عدم موفقیت توسعه توجهی نشده است. در حالی که در طرح حاضر به روش واسازی با نظریه های توسعه مواجه شده و به مکاتب فکری که عمدتاً در حوزه فلسفه سیاسی یا اندیشه سیاسی و به طور مشخص تر مکتب فایده گرایی به عنوان مبانی نظریه های توسعه ای پرداخته شده است و حتی در طرح حاضر محققان یک قدم فراتر از این رفته و به نقصان های این مبانی فکری نیز پرداخته اند. یعنی از نتایج برنامه های توسعه که مسئله اول طرح بود به سراغ نظریه های توسعه رفته و از نظریه های توسعه نیز به مبانی فکری نظریات گریز زده و در مبانی فکری نقصان و کاستی هایی که در نهایت موجود است بررسی شدند. اما موضوع نهایی عدم موفقیت برنامه های توسعه در ایران است. بنابراین در طرح حاضر پیوندی بین مبانی فکری مشخصاً فلسفه سیاسی و نظریه های توسعه در نظر گرفته و بررسی شده است.

در یک جمع بندی درباره این طرح و محورهای اصلی سخنان جناب آقای دکتر منوچهری می توان این موارد را برشمرد: اصولاً آسیب شناسی های مختلفی از توسعه انجام شده ولی نقطه متمایز بحث مورد نظر مجری محترم، عدم توجه کافی در سایر پژوهش ها به مبانی فکری و نظری مقوله توسعه هست؛ بر اساس نظر ایشان موضوع نقصان های فکری و نظری بحث توسعه خیلی توجه نشده و به همین علت در این طرح چرایی عدم توسعه و نقصان ها پرداخته شده است و تلاش اصلی تشریح پیوند بین مبانی فکری و فلسفه سیاسی و نظریه های توسعه است. در این طرح سعی شده ضمن شرح نقصان های فلسفه سیاسی و مبانی فکری آنها، تاثیر این کاستی ها بر نظریه های توسعه آشکار شود. موضوع آسیب شناسی اندیشه سیاسی و ارتباط تنگاتنگ بین توسعه و فلسفه سیاسی نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ اما از انجایی که اندیشه سیاسی قدری از مسیر قدما و مسیر قبلی خارج شده است در واقع تاکید دکتر منوچهری بر این قرار گرفته که اندیشه سیاسی دارای تمرکز خوبی بر زندگی است و همچنین طبیعی است که اندیشه سیاسی پیوند تنگاتنگی با توسعه که آن هم به دنبال زندگی خوب است دارا می باشد. ولی به علت جزیره ای پرداختن به علوم سیاسی مقداری از بحث توسعه مورد غفلت واقع شده است، در حالی که توسعه یک بحث میان رشته ای است و یکی از اهداف اصلی اندیشه سیاسی، همین بحث است. بر اساس آرای این استاد

علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس، مکاتب فکری که مبانی توسعه را مطرح کردند اشکالات مختلفی دارند از جمله هم در نتایج و پیامدها و هم جدای از آن کپی کردن نظریات توسعه و قرار دادن آنها در زیست بوم ایران. به همین علت است که شاید پژوهش‌ها غالباً نتایج مطلوبی پدید نمی‌آورند. بنابراین تمام تلاش نظری مجری محترم این بوده است که برای توسعه در ایران، یک راه جدید و نظریه بدیعی ارائه دهند و از همان روشی که برای شناخت اندیشه سیاسی استفاده کرده ایم می‌توانیم به عنوان روش استفاده کرده و نظریه پردازی نموده و مدل توسعه بومی را ارائه دهیم. بنابراین ایشان یک نظریه توسعه به عنوان نظریه توسعه فراستمند ارائه دادند که چهار مؤلفه اصلی دارد: اول هر نظریه توسعه باید به زیست بوم ایران توجه کند، دوم به ریشه‌ها باید توجه کند، یعنی رابطه انسان و تکنولوژی، رابطه جنگ و تحولات اجتماعی و فرهنگی و... و به انسان‌شناسی و بنیان‌های فکری مشخص توجه شود. در واقع انسان‌شناسی یکی از مبانی بسیار مهم است و در هر نوع نظریه توسعه و بر دلالت‌های هنجاری باید اهتمام ورزید. اصولاً چه چیزی باید توسعه باشد؟ معیار زندگی خوب چیست؟ و توسعه یافتگی با توجه به زندگی خوب به چه معناست؟ این موضوعات باید مورد توجه قرار گیرند. در این طرح در نهایت تأکید بر این است که این نظریه می‌بایست یک دلالت راهبردی داشته باشد؛ اینکه چگونه بتوانیم از طریق آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت این نظریه را محقق کنیم؟!

در ادامه نشست پرسش‌هایی از سویی حاضران در فضای مجازی مطرح و به تعدادی از آنها پاسخ داده شد؛

در پایان این بخش و پیش از آغاز بخش دوم، آقای دکتر حسینعلی قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ضمن اعلام سلام و سپاسگزاری از سخنرانان این جلسه، از برگزاری نشست‌هایی اینچنین در هفته پژوهش و استقبال مناسب جامعه علمی ایران ابراز رضایت کردند.

در ادامه دبیر نشست، به معرفی طرح آقای دکتر مقصود فراستخواه با عنوان «نقش برنامه‌های آموزشی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه‌ها در پیشرفت و توسعه جامعه ایران» پرداختند. در آغاز سخنرانی آقای دکتر مقصود فراستخواه، استاد رشته مطالعات اجتماعی در موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ضمن اشاره به مسئله خود در این طرح، این سوالات را مطرح کردند که چه میزان علوم اجتماعی برای اجتماع و مردم است؟ و چه میزان علوم اجتماعی، اجتماعی است؟ و چقدر علوم انسانی، انسانی است؟ آیا علوم اجتماعی و علوم انسانی تأثیر اجتماعی دارند یا خیر؟ در ادامه، با اشاره به ارزش‌های

کاربردی و مفهوم کارایی، تاکید کردند روز به روز ارزش ها برای کاربرد اهمیت بیشتری پیدا می کند. مهم است که این مسئله را چطور فهم و درک کنیم؟ و چطور رفع و رجوع شود؟ دکتر فراستخواه با اشاره به اصطلاح «علم کف خیابان» تأکید کردند علم باید در ارتباط با زندگی مردم باشد و به زندگی مردم حساس باشد. ایشان برای فهم بهتر موضوع یک مثال آوردند اینکه تعداد زیادی از دانشگاه های کشور در تهران هستند و تعداد زیادی دانشجو در این شهر در حال تحصیل و زندگی هستند. بحث این است علوم انسانی و علوم اجتماعی برای این شهر با این ویژگی ها چه کاری می خواهد و می تواند انجام دهد؟ راه حل های آن برای این شهر چیست؟ در این راستا شاخص هایی در مورد شهر در دنیا وجود دارد : شاخص شهرهای پویا (شهری که زندگی در آن جریان دارد) که در این شاخص از 180 شهر، تهران پایین ترین رتبه را در انسجام اجتماعی، برنامه ریزی محلی و در تعاملات بین المللی و ... دارد. شاخص دیگر شاخص شهرهای جهان است در این جا که انواع مؤلفه ها وجود دارد مثل سرمایه اجتماعی، امکان تجربه فرهنگی، تعاملات با جهان، گردش اطلاعات در شهر و ... شهر تهران از 128 شهر، رتبه تهران 98 است که این هم خیلی رتبه پایینی در دنیا هست. شاخص بعدی، شاخص چشم انداز شهرهای جهان است ما از 128 شهر تهران رتبه 118 را دارد. شاخص دیگر، شاخص شهرهای برتر است که مؤلفه های آن امید به زندگی، سفر، تحرک، کار تجارت و ... است که شهر تهران آخرین رتبه است.

شاخص دیگر شهر زیست پذیر است و این سوال مطرح است چقدر شهر تهران شهر زیست پذیر است؟ چقدر شهری برای زندگی است؟ چقدر مردم به این شهر اعتماد می کنند و زندگی شان را قابل پیش بینی می بینند؟ این شاخص مؤلفه های مختلفی دارد مثل دارایی های فرهنگی، زیرساخت های مختلف و ارتباطات و ... شهر تهران در این شاخص هم بر اساس رتبه بندی از 231 شهر، رتبه 199 را دارد. یعنی در این شاخص نیز شهر تهران رتبه بسیار نامطلوبی دارد. توضیح اینکه این ارزیابی ها قبل از شیوع بیماری کووید 19 در دنیا است که هنوز این اندازه تورم و رکود در کشور وجود نداشته است. در شاخص شهر های نوآور و خلاق، شهر تهران از 100 امتیاز، سی و سه امتیاز گرفته است و از 500 شهر در رتبه 423 هست. که امتیاز خیلی پایینی به حساب می آید. شاخص دیگر شاخص کیفیت زندگی است که در این شاخص نیز از 231 شهر، تهران رتبه خیلی پایینی دارد و نهایتا در شاخص های رقابت پذیر که یکی از شاخص های شهر محسوب می شود و معنای این است که در شهرها چقدر امکان رقابت وجود دارد، در این شاخص هم از 120 شهر تهران در ته جدول و رتبه 120 است. در نهایت این موضوع مجدد توسط سخنران تأکید کرد که این مسئله در صورتی مسئله خوب و بجایی است که

به درستی صورت بندی و فهم شود. در نهایت دکتر فراستخواه ضمن تاکید بر مسئولیت اجتماعی علوم انسانی در نگاه انتقادی بر کل ساختار زندگی، اذعان داشتند علوم انسانی و اجتماعی از نظر (برنامه ریزی، مدیریت کلاس، مدیریت رساله ها، روش تحقیق، پیمایش ها، ساختن ابزارها، صورت بندی مسئله ها) باید بهتر از این عمل کند. با وجود اینکه تمام امکانات برای تأثیر علوم اجتماعی در جامعه وجود ندارد و امکان رفع مشکلات جامعه را ندارد اما این نمی تواند دلیلی شود برای اینکه بپذیریم این علم مسئولیت برای حل مسائل را ندارد. بنابراین باید به درون خود برگردد و به نوع کنش تدریس، کنش تحقیق، کنش آموزش، کنش برنامه ریزی درسی، کنش تعریف پروپزال ها برگردد مثلاً برای تدوین پروپزال ها به کف جامعه و محله و متن شهر مراجعه نمی شود که این امر باید اتفاق بیفتد.

بعد از سخنرانی دکتر فراستخواه، سخنران بعدی نشست جناب آقای دکتر عماد افروغ به ایراد سخن در حوزه طرح خود با عنوان " رابطه نظریه و عمل، از حکمای باستان تا رئالیسم انتقادی " پرداختند. ایشان با اشاره به رنج بشر از دوگانه نگری اذعان داشتند انسان باید به یک وحدت در عین کثرت برسد. در ادامه ایشان به دوگانگی ذهن و عین، انسان و طبیعت، علوم انسانی در برابر علوم طبیعی، بود و نمود و در نتیجه تفوق معرفت شناسی بر هستی شناسی، واقعیت و ارزش مرتبط با نظریه و عمل و نظریه و ارزش، نظریه و مشاهده، علم و دین، علم و هنر، اخلاق و هنر، سیاست و اخلاق، سیاست و دین، علم و جامعه، فرد و جامعه و حقوق فردی و اجتماعی، دوشادوش دوگانه های قدیمی تری از جمله؛ عقل و عشق، عقل و دین، عشق و دین، حکمت نظری و حکمت عملی، دنیا و آخرت، خطا و صواب، خدا و انسان یا خدا و خلق، به عنوان برخی از این دوگانه های عمده که از مسائل مبتلا به بشر به شمار می رود اشاره کردند. و موضوع بحث خود را وحدت نظریه و عمل عنوان کردند. و هدف طرح خود را مقابله با پوزیتیویسم دانستند و به این نکته اشاره و انتقاد کردند که در کشور متاسفانه اندیشه پوزیتیویسم در حال جولان دادن است. دکتر افروغ بعد از اشاره به چند صفت عمده این اندیشه مانند بیگانگی با مباحث ظریف و پیچیده معرفت شناسی و به عبارتی فرو افتادن در معرفت شناسی پوزیتیویسم و غفلت از نسبت علم با فرهنگ و جامعه، و سازوکارهای درونی پدیده ها، ناآشنایی با نحله های معرفت شناسی و جامعه شناسی علم، ناموزونی و گسست در عناصر نظام اجتماعی، اهداف و وسایل، بود و نمود و مبنا و نما؛ بر این نکته تأکید کردند مسئله نظر و عمل یا نظریه و عمل در سطوح مختلف قابل شناسایی و ردیابی است؛ یعنی صرفاً در قلمرو معرفت شناسی مطرح نیست.

در ادامه بحث سخنران اشاره کرد برای فهم دقیق رابطه نظریه و عمل به منظور نزدیک شدن به ساحت و افقی روشن تر در این زمینه، تحقیق خود را بر پایه شناخت پیشینی و طرح بدیع و اولیه ای که حاصل سه دهه تدریس و پژوهش در حوزه فلسفه علوم اجتماعی است به چهار بخش یا دفتر¹، رابطه نظر و عمل از منظر حکمای باستان و اسلامی²، نقد دوگانگی نظر و عمل در فلسفه علم پوزیتیویستی (نقد هرمنوتیک تحلیلی)³، دوگانه نظر و عمل در اندیشه دیلتای و گادامر (نقد هرمنوتیک قاره ای)⁴، رابطه نظریه و عمل در دیدگاه نظریه انتقادی و رئالیسم انتقادی تقسیم کرده اند.

به عنوان سخن پایانی سخنران اذعان داشتند در این پژوهش تلاش ما این بوده است که در حد توان مرور نسبتاً کاملی بر برخی آراء مطرح در مورد رابطه نظریه و عمل، در قالب چهار دفتر، از حکمای باستان تا رئالیسم انتقادی، داشته باشیم. شاید توقع بجای خواننده این دفاتر، نقد و ارزیابی تطبیقی و تفصیلی دیدگاه های مختلف این طرح، عطف به پرسش اصلی این پژوهش و به صورت مستقل باشد. اما شایان ذکر است که اولاً پرسش اصلی تحقیق، نقد پوزیتیویسم، عطف به پرسش رابطه نظریه و عمل در حوزه پدیده های اجتماعی است که حداقل از دفتر دوم تا چهارم، صراحتاً به آن پرداخته شده و برای اندیشمندان فضای آکادمیک و دانشگاهی و متخصص در نحله شناخت شناسی پوزیتیویسم و نقدهای وارد بر آن کاملاً آشناست. دفتر اول ناظر بر سابقه تاریخی مواجهه با رابطه نظر و عمل است که همان گونه که در بررسی برخی متفکران معاصر نیز مشهود است محل توجه و ارجاع برخی اندیشمندان معاصر و دل مشغول این مقوله بوده است. در کل و از منظری می توان این کتاب را حاوی چهار دفتر مستقل تلقی کرد که وجه مشترک و برجسته آنها توجه به مقوله نظر و عمل با محوریت نقد بر شکاف نظر و عمل پوزیتیویستی و غالباً در قلمرو پدیده های اجتماعی است. در واقع، همان گونه که ذکر شد انفصالی و اتصالی، تفاوتی و ربطی. هرچند، مضمون اصلی دفاتر چهار گانه پرداختن به رابطه نظر و عمل در دو قلمرو هستی شناسی و معرفت شناسی اجتماعی است، اما در دفتر چهارم و ذیل نظریه رئالیسم انتقادی، پوزیتیویسم در حوزه پدیده های طبیعی نیز به نقد کشیده شده است. لذا تنها به نقد علم گرایی در قلمرو حیات اجتماعی و سیاسی بسنده نشده است، بلکه نگرش پوزیتیویستی به علم، به دلیل تقلیل جهان واقع به جهان تجربی و نفی ضرورت نیز مورد ارزیابی انتقادی قرار گرفته است. ثانیاً با مطالعه دفاتر چندگانه، متوجه برخی داوری های رویکردهای بدیل پوزیتیویسم نسبت به یکدیگر خواهیم شد.

پس از سخنان دکتر افروغ، دبیر نشست ضمن تشکر از بحث های مطرح شده توسط ایشان و دیگر سخنرانان، ابراز امیدواری کردند که این سه طرح بعد از انتشار مورد استفاده محققان و اندیشمندان قرار گیرد.